

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷
صفحات: ۲۳۳-۲۱۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۱۴

نظریه مشروعیت و استیلای حکومت در اندیشه سیاسی روزبهان خنجی

محمد مهدی نادری* / کتابیون سرلک**

چکیده

فضل اله بن روزبهان خنجی (۹۲۵-۸۶۰ ق) معرف به خواجه ملا اندیشمند، فقیه و عارف ایرانی عصر آق‌قویونلو و صفویان است که نقش مهمی در گسترش مکتب فقهی شافعی داشته است. او شافعی مذهبی متعصب بود و این تعصب در تکوین عقایدش نقش مهمی داشت. فضل بن روزبهان خنجی با احیاء شریعت نامه نویسی و نظریه استیلا به دنبال احیای نظم و اقتدار سیاسی اهل سنت بود. روزبهان بحران سیاسی جامعه عصر خود را به قدرت رسیدن سلاطین غیرمذهبی و بی‌توجه به اجرای شریعت می‌دانست. به راستی او را می‌توان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان نظریه مشروعیت و استیلا در میان اهل سنت دانست. در واقع خنجی با استفاده از مؤلفه‌هایی چون تأویل‌گرایی، مشیت‌گرایی و حتی نمادهایی از اندیشه ایرانشهری در صدد برآمده تا حکومت آق‌قویونلو را حکومتی مشروع معرفی نماید. پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر بر آن است که با تمرکز بر دیدگاه آخرین شریعت نامه نویس (فضل اله بن روزبهان خنجی) به این پرسش پاسخ دهد که روزبهان خنجی راه حل برون‌رفت از مسائل و مشکلات سیاسی عصر خود را در چه می‌داند.

کلیدواژه‌ها

نظریه استیلا؛ مشروعیت حکومت؛ خلافت؛ سلطنت؛ اندیشه سیاسی؛ روزبهان خنجی.

مقدمه

با ظهور شاه اسماعیل و تأسیس حکومت صفوی در اصفهان ایجاد حکومتی متمرکز بر اساس اعتقادات شیعی و شریعت نامه نویسی بار دیگر مورد توجه شریعت نویسان قرار گرفته است. در میان جریان‌های اندیشه سیاسی در ایران شریعت نامه نویسی جریان مهمی نبوده است. به لحاظ تاریخی، تاریخ دوره اسلامی ایران با واکنشی به خلافت آغاز شد و با فرمانروایی نخستین خاندان‌های ایرانی نیز سیاست‌نامه نویسی در کنار شریعت نامه نویسی به مهم‌ترین جریان نظریه‌پردازی سیاسی تبدیل شد. از جمله افرادی که در این دوره به فکر تجدید خلافت و بازگشت به شریعت نامه نویسی افتاد روزبهان خنجی بود. او در کتاب عالم آرا امینی سلاطین آق‌قویونلو را به عنوان صاحب منصب خلافت امام زمان و ظل الله معرفی می‌کند. فضل اله بر این باور است: طبق نظر علمای عالی مقدار و حکمای نامدار، اشرف ملوک و سلاطین ملک کسی است که دارای جلالت نسبی و طهارت حسبی باشد و معتقد است شش خصلت است که اگر در سلطان جمع گردد باعث جلالت، پاکی و برتری وی می‌گردد. او در کتاب سلوک الملوک حکایتی را در باب طعن به کسانی که نصب عالی و حسب منیع ندارند وارد می‌کند و معتقد است شریعت تنها مؤلفه‌ای است که سلطان باید بدان آویزد تا بلند گردد. فضل اله روزبهان خنجی به حدی آلوده تعصبات مذهبی، حفظ و توجیه و پیوند دادن حکومت خوانین از یک با منصب خلافت شد که فردی را که به ضرب شمشیر و نیزه و بدون بیعت عامه مسلمانان حکومت را به دست گرفته، سلطان و خلیفه و امام زمان اعلام می‌کند. در نظر او رکن اساسی نظام سیاسی در شخص سلطان صاحب شوکت خلاصه می‌شود. بنابراین «نظریه استیلا» در کنار «نظریه شریعت» از مهم‌ترین دیدگاه‌های خنجی در نظریه‌پردازی سیاسی اوست. نتیجه اساسی این توجیه نظری، همان اقتدار گرایی موجود در فقه سیاسی اهل سنت است. فضل اله بن روزبهان خنجی را باید به مثابه بخشی از جریان کلی فقه سیاسی اهل سنت دانست که به شوکت و قدرت سلطان اهمیت زیادی می‌دهد. به همین دلیل خنجی را باید از مهم‌ترین اندیشمندان نظریه استیلا و مشروعیت در اهل سنت دانست که در دو کتاب سلوک الملوک و عالم آرای امینی نظام معرفتی خود را سامان می‌دهد. فضل اله بیشتر موضوعات سیاسی را از زاویه توجیه دنبال می‌کند و سعی دارد همواره با ارجاع به آیات و نص بر اساس نظام قیاسی نظریات سیاسی خود را موجه جلوه دهد. بنابراین برای اهل سنت لازم بود تا در رویارویی با

خلافت شیعی نظریه خلافت را تجدید کرده و با نظریه سلطنت مطلقه باری دیگری بر حکومت و مردم استیلا یابند.

۱. طرح مسأله

برخی بر این باورند مشروعیت یعنی توجیه عقلانی اعمال سلطه و اطاعت (لاریجانی، ۱۳۹۴: ۵۸). برخی نیز مشروعیت را مساوی با توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم و قانونی بودن یا طبق قانون بودن دانسته‌اند (وینست، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۷ و عالم، ۱۳۹۶: ۱۰۵). مسأله استیلا و مشروعیت حکومت‌ها را باید از اساسی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی معاصر دانست. این مسأله در تاریخ علم سیاست همواره مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. در تاریخ اندیشه سیاسی باید از شخصیت‌هایی چون فارابی (قادری، ۱۳۸۷: ۱۳۹)، ماوردی (sauvaget, 89: 1943) و نظام الملک طوسی (حلبی، ۱۳۸۵: ۷۵/۶۵) نام برد.

اندیشه‌های حکومتی اهل سنت در طی نه قرن تحولات اسلام و ایران تا پیش از ظهور صفویه، به وسیله اندیشمندانی چون ماوردی، خواجه نظام الملک طوسی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی تبیین شد. طی این مدت، چهار دیدگاه عمده در اندیشه سیاسی اهل سنت ارائه گردید (قادری، ۱۳۷۵: ۲۶-۲۲). که عبارتند از: «انعقاد «خلافت»، «استخلاف»، «شورا» و «استیلا».

پژوهشگران علوم سیاسی بر این باورند مسأله استیلا و مشروعیت در واقع همان سزاوار بودن حکومت به حقانیت است. به عبارتی کوششی است برای اثبات حق حاکمیت که معمولاً بصورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. مشروعیت یک ویژگی در نظام‌های سیاسی است، که حکومت با بهره‌گیری از آن، حکمروایی خود را، صحیح جلوه داده، و در مقابل، مردم نیز تبعیت از حکومت را، وظیفه خود می‌داند. از این رو به نظر می‌رسد مسأله کسب مشروعیت به عنوان یکی از ویژگی‌های اقتدار در همه دوره‌های تاریخی حائز اهمیت بوده (بندیکس، ۱۳۸۲: ۳۱۹). از این رو پژوهشگران و اندیشمندان وابسته به حکومت‌ها در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام و ایران نقش برجسته‌ای را ایفا نموده‌اند بطوری که پس از نقد و بررسی آراء آنان مشخص می‌گردد که اکثر آنان به توجیه وضع موجود، استیلا و مشروعیت بخشی حکومت‌ها پرداخته‌اند. فضل‌الله بن روزبهان خنجی را باید در زمره این دسته از اندیشمندان قرارداد. خنجی بیا احیای شریعت نامه نویسی به دنبال احیای نظم و اقتدار سیاسی جهان اهل سنت بود (ایزدی، ۱۳۸۷: ۳۸).

۲. زندگی‌نامه و آثار

۲-۱. زندگی‌نامه

روزبهان خنجی را باید از متفکران، مورخان و عارفان فعال نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری دانست. دوره فعالیت این متفکر جنجالی همزمان با فروپاشی قدرت تیموریان آغاز شد و با روی کار آمدن شاه اسماعیل به پایان رسید (هینتس، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ وثوق، ۱۳۷۷: ۳). ابوالخیر فضل‌الله بن روزبهان صاعدی سپاهانی، متخلص به «امین» و معروف به «خواجه ملا» یا «خواجه مولانا» (صفا، ۱۳۸۳: ۲۲۵) و «پاشا»، شاعر، اندیشمند، فقیه و عارف ایرانی در حدود سال‌های ۸۵۰ تا ۸۶۰ ق در سمرقند، به دنیا آمد. فضل‌اله خنجی در ابتدای کتاب خود «عالم آرای امینی» خود را این‌گونه معرفی می‌کند. «... خادم علوم دینی و طالب معارف یقینی، فضل‌الله الخنجی الاصفهانی الملقب بالامین معرف به خواجه ملا...» (خنجی، ۱۳۸۱: الف). اصلش از خنج، از توابع لارستان فارس، بود. سال دقیق تولد او درست معلوم نیست؛ ولی مسلماً بعد از سال ۸۵۰ بوده است. در سن هفده سالگی به قصد ادای حج، شیراز را ترک گفت؛ پس از بازگشت به شیراز، کماکان با جد و جهد بلیغ به کسب علوم معمول و درک کمالات پرداخت. فضل‌الله مجدداً در بیست و پنج سالگی عازم سفر حج گردید. این بار مدتی در مصر و چندی در حجاز توقف کرد. از اساتید وی باید از، ابوالخیر شمس‌الدین محمد السخاوی نام برد. فضل‌الله چون به شیراز بازگشت؛ به تدریس علوم مختلفه مشغول گردید. پدرش جمال‌الدین از علما و دانشمندان قرن نهم و در عصر دولت آق قویونلو از سران قم بود (اقتداری، ۱۳۳۴: ۱۸۲). مادرش از خاندان «صاعدی» اصفهان بود که خاندانی معتبر بودند (ستوده، ۱۳۵۵: مقدمه). خویشاوندان مادری فضل‌الله نیز با سلسله آق قویونلو رابطه نزدیک داشتند. فضل‌اله مانند پدرش حکومت سلاطین را نمونه‌ای از مظاهر قدرت پروردگار می‌دانست و معتقد بود تمام پادشاهان حکومت و کشورگشایی خود را از الطاف الهی دارند. فضل‌الله به عربی و فارسی شعر می‌سروده است، در برخی از کتاب‌های او مانند تاریخ عالم آرا، سلوک الملوک و مهمان‌نامه بخارا می‌توان نمونه‌هایی از اشعار او را مشاهده نمود. در تصوف نیز خود را از مریدان پیر جمال‌الدین احمد عارف اردستانی (۸۷۹) می‌دانست. برخی معتقد بودند خنجی تحت تأثیر شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل بوده است (آژند، ۱۳۸۰: ۲۶). فضل‌الله قرآن و اهل‌بیت پیامبر (ص) را دو یادگار سنگین می‌داند که در نظم بخشیدن به مصالح عالم و التیام به راه راست موثرند. در میان علمای شیعه آیت‌اله نجفی مرعشی از او به عنوان یک عالم، عارف شافعی یاد کرده است. سید

جواد طباطبایی در آخرین فصل کتاب خود با عنوان درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران نیز به بررسی اندیشه خنجی پرداخته است. حاتم قادری و داوود فیرحی نیز در تألیفات خود به بیان بخشی از نظریات این عالم شافعی پرداخته‌اند. امام محمد سخاوی استاد خنجی می نویسد: به دلیل فصاحت بیان و طلاقت زبان، کاتب و مشاور ویژه ی دیوان سلطان یعقوب بود. خنجی می خواست کتابی درباره وقایع حکومت سلطان یعقوب به رشته تحریر درآورد که سایر کتب تاریخی مثل تاریخ جهان گشای جوینی را نقض کند. او در عالم آرای امینی این چنین می گوید:

اگر شه کند نامه من رقم کشم بر سر شاهنامه قلم

خنجی از مورخین و گزارشگرانی است که برخی از مهمترین جریان های سیاسی و اجتماعی عصر خود را ثبت کرده است و در بسیاری از مسائل مورد بحث به موضع گیری پرداخته و نقادانه به داوری برخاسته است، کسی نیست که بتوان با بی اعتنایی از کنارش گذشت (موحد، ۱۳۶۲: مقدمه). فضل بن روزبهان تا پایان عمر خود یعنی جمادی الاول ۹۲۷ قمری در بخارا زندگی کرد و در همانجا درگذشت (برزگر، مجتهدی، ۱۳۹۶: ۲۷). برخی وفات وی را بر اساس «تاریخ بخارا» حدود سال های ۹۳۰ تا ۹۴۰ قمری ذکر کرده اند.

۲-۲. آثار

اینکه چرا بسیاری از تذکره نویسان به بیان احوال و آثار فضل الله بن روزبهان خنجی نپرداخته‌اند روشن است. او سخت مبعوض شاه اسماعیل صفوی بود. به همین دلیل کسی را جرات این نبود که به بیان احوال و آثار خواجه بپردازد. لذا آنچه درباره او نوشته شده مختصر و آمیخته به شک و تردید است. آثاری که به فضل الله بن روزبهان خنجی نسبت داده اند عدد آن ها دقیقاً معلوم نیست برخی آن ها از بین رفته است، و اهم آن ها عبارتند از:

۱. بدیع الزمان فی قصه حی بن یقظان (به پارسی)، شهرت فضل اله بن روزبهان خنجی بیشتر به سبب تألیف این اثر بوده است. او این کتاب را برای معرفی خود و نزدیکی اش به دربار سلطان یعقوب آق قویونلو نوشت و در سال ۸۹۲ قمری به سلطان تقدیم کرد. امروزه نسخه ای از این کتاب در دست نیست.

۲. میهمان نامه بخارا، این کتاب گزارش رخدادهایی است که خنجی در سفر جنگی خود و محمد خان شیبانی برای تاختن به قلمرو قزاق های شرق سیحون به رشته تحریر در آورده است.

۳. تاریخ عالم آرای امینی، او در این کتاب مشغول تاریخ نگاری زمان دولت آق قویونلو شد و این کتاب پس از مرگ سلطان یعقوب به پایان رسیده است. او در این کتاب سخنان بسیار تند و گزنده درباره پدران و اجداد شاه اسماعیل صفوی آورده است. یکی از آثاری که سبب گردید در نزد شاه اسماعیل مورد تعقیب قرار گیرد تالیف همین کتاب بوده است. بعد از تالیف این کتاب مدتی چند نزد سلطان حسین بایقرا بود و بعد از آن به دربار محمد خان شیبانی (۹۰۵-۹۱۶ق) پیوست. بسیاری این کتاب را از مآخذ عمده سلسله آق قویونلو می دانند. و چون نویسنده بسیاری از حوادث این دوره را شاهد بوده اطلاعات مفید در باب این امرا و روابط آن ها با سلاطین و ملوک معاصر خود داده است. این کتاب از جهت تحقیق در مقدمات ظهور دولت صفوی نیز حائز اهمیت است. این کتاب را بسیاری از منابع اصیل و مستند می دانند.

۴. ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل (به عربی) او این کتاب را در رد کتاب نهج الحق و کشف الصدق ابن مطهر حلی (علامه حلی) که در رد شیعیان نیز بود نوشته است. او در مقدمه این کتاب املاء علامه را سست و عامیانه خواند. او با خلع بایسنقرخان جانشین یعقوب، آذربایجان را ترک کرد و به زادگاهش اصفهان بازگشت. او این کتاب را در مدت ۱۰ سال دوری از دربار به رشته تحریر درآورد. در مقدمه کتاب ابطال علت مهاجرت خودش را به قدرت رسیدن شیعیان و دوری از سر و صدای قزلباشان می دانست (خنجی، ۱۳۶۲: ۱۱).

۵. سلوک الملوک (به پارسی)، این کتاب در زمان اسکان خنجی در دربار عبیدالله خان شیبانی (۹۴۰-۹۴۶ ق) به رشته تحریر در آمده است. بسیاری بر این باورند او این کتاب را به درخواست عبیدالله خان شیبانی به رشته تحریر در آورده است. به همین دلیل این کتاب را به نام او نوشت. در این اثر از پایه های حکومت اسلامی بر مبنای مذهب سنی سخن رفته که گویا بر پایه چنین حکومتی از آرمان های او بوده است. او در زمانی که زبان اندیشه سیاسی در ایران فارسی و زبان شریعت عربی بود «سلوک الملوک» را در مخالفت با سنت رایج به فارسی نوشت. این کتاب یک دوره حقوق عمومی اسلام است که دربرگیرنده نظرها و آراء فقهی حنفی و شافعی است. بر خلاف آنچه از نامش بر می آید کتابی است فقهی و یک دوره فقه سیاسی اهل سنت را در بر می گیرد (قادر، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۰۹). در این کتاب علاوه بر حقوق اساسی، اداری و ... به رابطه حکومت اسلامی در زمان جنگ و صلح با دیگر حکومت ها پرداخته است. نگارش کتاب از ذی الحجه ۹۱۹ ق آغاز و در ربیع الاول ۹۲۰ به پایان رسید.

۲-۳. آثار دیگر منتسب به خواجه

کتاب دیگری که به وی نسبت داده‌اند عبارتند از:

۱. مقاصد (در علم کلام)
۲. تلخیص و ترجمه کتاب «كشف الغمّة فی المعرفة اللّائمه» تألیف شیخ علی بن عیسی الاربلی
۳. شرح وصایای خواجه عبدالخالق غجدوانی به پارسی، این کتاب از آثار عرفانی او بوده و به بیان افکار و عقاید مشایخ نقش بندیه پرداخته است.
۴. نسب نامه خان، تاریخ تالیف این کتاب نزدیک به تألیف کتاب مهمان نامه بخارا است.
۵. رساله حادثیه، این کتاب نیز از آثاری است که به خنجی نسبت داده است. برخی تاریخ تالیف این رساله را با نسب نامه و مهمان نامه بسیار نزدیک می دانند.
۶. شرح قصیده برده بوضیری (که در سال ۹۲۱ نوشته شده است)
۷. قصیده‌ای در پیروزی عثمانیان در چالدران،
۸. حاشیه شرح مواقف،
۹. شرح صحیح مسلم،
۱۰. هدیة التصدیق الی حکایة الحریق درباره آتش سوزی مسجد النبی به سال ۸۸۶؛
۱۱. جامع المعجزات،
۱۲. فضائل علی علیه السلام .
۱۳. دلائل الصدق

۳. بنیان های فکری و اندیشه سیاسی روزبهان

اندیشه های حکومتی اهل سنت در طی نزدیک به نه قرن تحولات اسلام و ایران به وسیله عالمانی چون ماوردی، نظام الملک طوسی و رشیدالدین فضل الله تبیین شد. طی این مدت، چهار دیدگاه عمده (انعقاد خلافت، استخلاف، شورا و استیلا) در اندیشه سیاسی اهل سنت ارائه گردید. فضل الله بن روزبهان خنجی، اهل نظری نوآور نبود؛ او در زمان برآمدن و بالیدن بنیان گذار سلسله صفوی، به سبب شیعه ستیزی بسیار متعصبانه، محل اقامت خود اصفهان را ترک کرد و به تختگاه محمد خان شیبانی در ماوراءالنهر پناهنده شد و در بخارا در برابر «خلافت مرتضوی» صفویان و در مخالفت با آن به تجدید نظریه خلافت پرداخت. اگر چه بین خنجی و ابن تیمیه ۲۰۰ سال فاصله است و او مانند ابن تیمیه زندگی پر ماجرای را گذرانید اما به

مراتب کمتر از ابن تیمیه در تفکرات سنی نقش آفرینی کرد (قادری، ۱۳۸۷: ۱۱۰). روزبهان مانند ابن تیمیه شریعت نامه نویس قبل از خود که تعصب و شیعه ستیزی او به مراتب بیشتر از وی است حکومت بنی امیه را سلطنتی می‌داند که مقام و منصب خلافت را غصب کرده و به فسق و فجور پرداخته و اعمالشان با قوانین شرع مغایر است (ایزدی، ۱۳۸۸: ۶).

شریعت نامه خنجی در برابر شریعت نامه هایی چون «لاحکام ماوردی بغدادی» و «السیاسة الشرعية» ابن تیمیه ارجی از اهمیت چندانی برخوردار نیست (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۵۹). فضل‌الله بن روزبهان خنجی، از نظر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، از شریعت نامه نویسان بود که تا سده‌های متأخر در ایران محجورترین جریان در تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در ایران به شمار می‌آمد. خنجی اهل شریعتی از سنخ ابوالحسن ماوردی بغدادی و امام محمد غزالی بود، او مانند آن دو در مقابله با حکمت و فلسفه ادعای احیاء در علوم دین داشت. فضل‌الله روزبهان خنجی را باید میراث خوار این سنت التقاطی دانست. زمینه‌های بازگشت خنجی به شریعت نامه نویسی با هدف جمع میان حکمت عملی و شریعت بود.

فضل‌الله، نخستین نظریه پرداز ایرانی در حوزه خلافت در این عصر بود. او یکی از جدی ترین نمایندگان شیعه ستیزی در میان اهل سنت و جماعت ایران بود که با اقتدا به عالمانی چون «امام محمد غزالی» و «تقی الدین ابن تیمیه» همه فعالیت علمی و زندگی عملی خود را وقف پیکار با جماعت قزل بورک نمود. شیوه خنجی بسیار شبیه به شیوه غزالی در تکفیر دشمنان اسماعیلی است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۶۴-۲۶۳).

ابن تیمیه در تدوین «السیاسة الشرعية» دریافتی آرمانی از خلافت را عرضه کرد، تفسیری مبتنی بر توجیه استیلا (تغلب)، به گونه‌ای که خنجی در ایران عرضه کرد، اگر چه این کار امری آسان نبود، در ایران، سده‌هایی پیش از آنکه خنجی نظریه امامت مبتنی بر تغلب خود را تدوین کند، نظریه شاهی آرمانی به سلطنت مطلقه تبدیل شده بود و چنین می‌نماید که فضل‌الله بن روز بهان در تدوین نظریه خلافت به نظریه‌ی سلطنت ایرانی بی‌توجه نبوده است. غزالی نیز با «فضایح الباطنیه» گامی مهم در توجیه نظری خلافت برداشت.

خلاصه اینکه روزبهان «سلوک الملوک» را نه بر پایه «اصالت شرعیات»، بلکه از دیدگاه «سلاطین»، به رشته تحریر در آورده است.

سیاست استیلاء (تغلیب) و فسق امام و امیر، به گونه‌ای که در سلوک الملوک آمده، بر خلاف پندار بسیاری از پژوهشگران از بسیاری جهات با شریعت و شریعت نامه‌های نویسندگانی چون ابن تیمیه سازگار نیست

۳-۱. شرایط رهبری سیاسی در اندیشه خنجی

خنجی در مقدمه کتاب «سلوک الملوک» در معنی امام، سلطان و امیر چند شرط اساسی را بیان می‌کند:

- ۱- «اجماع» که بیعت مسلمانان است با فردی که به خلافت می‌رسد.
- ۲- «وصیت» و تعیین جانشین بوسیله خلیفه و امام حاضر قبل از مرگ.
- ۳- «انتخاب» از طریق شوری زمانی که امام و خلیفه حاضر امامت و خلافت بعد از خود را در بین چند نفر قرار دهد تا آنان از بین خود امام بعدی را انتخاب کنند.
- ۴- استیلاء اصل چهارمی است که در حقیقت نقض کننده سه اصل قبلی است یعنی همان شوکت، غلبه و زور، در این مورد فتوایی صادر می‌کند که صورت فتوا چنین است: «وقتی امامی وفات کند، هر فردی که بدون بیعت و بی آنکه کسی او را خلیفه کرده باشد و مردمان را قهر کند به شوکت و لشکر امامت او برقرار می‌گردد. بدون بیعتی، خواه قریشی باشد و خواه نه و خواه عرب باشد یا عجم یا ترک و خواه فاسق و جاهل و اگر چه آن مستولی بدین فعل عاصی گردد و چون به دلیل سطوت و استیلاء جای امام را بگیرد او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد (خنجی، ۱۳۶۲: ۸۱-۷۹).

فضل بن روز بهان خنجی در تکمیل توضیحاتش در فصل دوم از مقدمه سلوک الملوک می‌گوید: «سلطان در عرف شرع به کسی اطلاق می‌شود که بر مسلمانان مستولی باشد به حکم شوکت و قوت لشکر، و علما گفته‌اند: واجب است اطاعت امام و سلطان در هر چه امر و نهی کنند مادام که مخالف شرع نباشد خواه عادل و خواه جائر و می‌توان او را خلیفه، امام، امیر المؤمنین و خلیفه رسول الله خواند و جایز نیست که خلیفه الله گویند».

خنجی در علم آرای امینی در توجیه و تأیید حکومت و خلافت سلاطین آق قوینلو به خصایل «حسبی» و «نسبی» اشاره می‌کند و از آنجا که فردی مذهبی، متعصب، شریعت نامه نویس و طرفدار اندیشه «تجدید خلافت»، بود به آیات قرآن زیاد استناد نموده است. او تنها کسی نیست که از آیات قرآنی برای توجیه نظریات خود استفاده می‌کند، قبل از او جلال الدین دوانی که کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی را بازنویسی کرده، اوزون حسن را برگزیده قرن

نهم هجری دانسته و با استناد به «واژه بضع» که در آیه سوم سوره روم آمده حکومت او را رویدادی الهی و قرآنی می‌داند (رضا زاده لنگرودی، ۱۳۶۷: ذیل کلمه آق قویونلو).

۳-۲. خصائل شش گانه و هفت گانه طهارت حسبی سلطنت

خنجی شش خصلت را بر می‌شمارد که جمع شدن آنها در هر سلطان باعث جلالت، پاکی و برتری نسب است.

۳-۲-۱. خصائل شش گانه

خصلت اول: اجداد و پدران باید پشت در پشت پادشاه باشند و خون سلطنت در رگ‌های آنها جریان داشته باشد. سلسله نسب آنها نیز نباید به افراد طبقه پایین و پست منتهی شود، مثل ملوک صفاریه و آل طاهر در خراسان. فضل‌الله می‌گوید: «این خصلت در ملوک آق قویونلو موجود است و در غیر ایشان آلاً ماشاءالله مفقود» (ص ۱۳، نسخه خطی).

خصلت دوم: نباید دست نامحرمی به حرم و ناموس سلطان وقت برسد. فضل‌الله در اینجا حکمی کلی صادر کرده و می‌گوید: اولاد و ازواج ایشان - سلاطین آق قویونلو - داغ عار اختلاط نسب نکشیده و غیر از این طایفه از ملوک بدن تبارشان از حيله این افتخار میرا و حریم این ملوک - آق قویونلو - از این سلوک همگی منزّه و میرا بودند (ص ۱۴، نسخه خطی).

خصلت سوم: اجداد سلاطین وقت نباید در هیچ زمانی به مخالفت با ادیان و بزرگان شرایع حقه معروف و مشهور باشند، مثل ملوک عرب پادشاهان ساسانی و به تبعه یمن که به مخالفت با دین حق معروف و مشهورند.

خصلت چهارم: تعصب مذهبی بر ضد مذاهب حرام و فاسد و ترویج این مذاهب ناروا؛ مثل زندقه در بنی مروان، اعتزال در بنی مروان، و تشیع در آل بویه و بنی صفارچه بوده است.

خصلت پنجم: منشأ اجداد سلطان نباید در شهرها و بلاد فاسد و پلید باشد، زیرا اقامت در این قبیل شهرها باعث روی آوردن به خوشگذرانی، عیاشی و راحت طلبی و اعمال خلاف شرع می‌شود.

خصلت ششم: عدم ضعف و سستی اجداد و سلاطین بعدی در امر حکومت به نحوی که همه امر حکومت و دولت و ریاست آنان را از مسلمات دانسته و از دستوره‌های آنها بی‌چون و چرا اطاعت کنند. سلطنت و ایالت خود را در قاب لشکری به برهان قاطع سیف و سنان روشن گردانیده باشند و نباید هیچگاه ذلیل و زبون و بازیچه دست امرا و سرداران شده، مثل بعضی از خلفای عباسی و امرای آخری چنگیزی (ص ۱۵، نسخه خطی).

فضل اله معتقد است شش خصلت اول اگر در هر سلطانی جمع شود باعث جلالت، پاکی و برتری نسب می‌شود.

۳-۲-۲. خصائل هفت گانه

فضل‌الله بن روزبهان خنجی بعد از بیان این شش خصلت که مهم ترین خصائل نسبی می‌داند. در صفحه ۱۵ نسخه خطی می‌گوید: هفت خصلت است که جمع شدن آنها در ملک و سلطانی باعث تحقق «طهارت حسبی» می‌شود. این هفت خصلت عبارتند از:

خصلت اول: آراستن خود به اعتقاد کامل و صادق و مذهب موافق و خالی بودن و دوری کردن از هرگونه مذهب حرام و بدعت (ص ۱۵، نسخه خطی).

خصلت دوم: آشنایی با علوم مختلف یا داشتن مقداری علم، که در اجرا و تنفیذ احکام شرایع و امضای احکام دین مبین لازم است (ص ۱۵، نسخه خطی).

خصلت سوم: دلیری، قوت، مردانگی و شجاعت و فرار نکردن از میدان جنگ (ص ۱۵، نسخه خطی).

خصلت چهارم: حفظ استقلال و تمامیت ارضی مملکت به دست سلطان به نحوی که تمام مملکت را در حکم خانه خود بداند (ص ۱۵، نسخه خطی).

خصلت پنجم: دارا بودن عفت و نداشتن طمع به ناموس و خانواده دشمن و دوست، و زایل نکردن آبروی آنان (ص ۱۶، نسخه خطی).

خصلت ششم: شفقت داشتن و طمع نکردن به مال و منال مردم (ص ۱۶، نسخه خطی).

خصلت هفتم: بذل، بخشش مال و ثروت و دلجویی و مهربانی کردن با خواص حکومت و رعایای عادی (ص ۱۶، نسخه خطی).

روزبهان مدعیست جمع شدن خصایل هفت گانه در ملوک (آق قویونلو) پاکی گوهر شخصی، اصل و تبار آنان را ثابت کرده است. در کنار خصایل شش گانه و هفت گانه روزبهان خنجی ویژگی‌هایی از قبیل: بزرگی، زیبایی چهره و اندام، شجاعت و قوت بازو، عفت و مرحمت، عدالت و داور، دانش، تقویت شرع ضروری می‌داند (صص ۲۱، ۲۷-۲۳، نسخه خطی).

۳-۳. مشروعیت

مشروعیت در علم سیاسی، واژه مهم ولی مبهم است. مهم از این جهت که عهده دار توجیه همزمان دو مساله قدرت و اطاعت است و هم اجبار سیاسی و هم حق حکمرانی را توجیه می‌کند (Coicaud, 2004: 10). برخی مشروعیت را حق اخلاقی و انحصاری یک نهاد برای تحمیل

تکالیف الزام آور بر گروه و یا فرد و اجبار آنان به این تکالیف می دانند (Simmons, 2001: 155).

پژوهشگران بر این باورند «مشروعیت» را باید به معنای پذیرش حق اعمال قدرت از سوی شهروندان دانست. این تعریف از مشروعیت معمولاً در نظام سیاسی اسلام پذیرفته شده نیست. چرا که مشروعیت نظام سیاسی در اسلام به شریعت آن گره خورده است. مشروعیت از مفاهیم بنیادی در اندیشه سیاسی اسیت به صورتی که سهم بالایی از تفکرات سیاسی را در طول تاریخ به خود اختصاص داده است. در ادبیات سیاسی عموماً «استیلا» و «مشروعیت» از مفاهیمی هستند که اگر چه با هم در ارتباط اند، ولی هر یک را باید در حوزه جداگانه بررسی کرد. بسیاری از پژوهشگران این حوزه معتقدند چنین ارتباط و پیوندی بی سابقه نیست.

جان رالز فیلسوف بزرگ بر این باور است که مشروعیت بیشتر به رویه ها توجه دارد. رالز بر این باور است اصرار بر مشروعیت یا به گفته وی تاکید بر رویه های قانونی و مشورتی آن گونه که در نظریه یورگن هابرماس به چشم می خورد می تواند به قربانی شدن عدالت بینجامد (رالز، ۲۰۰۵: ۴۲۹-۴۲۳).

بوکانان از پژوهشگرانی است که معتقد است با مشروط کردن مشروعیت به توجیه اخلاقی می توان اعمال قدرت سیاسی را توجیه کرد (بوکانان، ۲۰۰۴: ۲۳۴).

ماتیو دوگان اندیشمند معرفت فرانسوی می گوید: مشروعیت باور بدین امر است که اقتدار حاکم بر هر کشور مفروض محقق است فرمان صادر کند و شهروندان موظفند به آن گردن نهند (دوگان، ۱۳۷۴: ۳۴).

اهمیت مشروعیت در این است که دلایل و انگیزه های اخلاقی لازم برای همکاری و اطاعت را از جانب مردم و تابعان قدرت فراهم می کند. در صورت فرسایش مشروعیت، نظام سیاسی به زور متوسل می شود. اما زور اگر می تواند مردم را از کاری بازدارد، نمی تواند آنان را به همکاری و اطاعت برانگیزد (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۹۰). در میان نظریه پردازان شیعه و سنی رگه هایی از پیوند استیلا و مشروعیت به چشم می خورد. نظریه پردازان اهل سنت در سده های میانه اسلامی بین اجرای شریعت، عدالت و مشروعیت رابطه برقرار می کردند (فیرحی، ۱۳۸۱: ۲۳۳). در ایران معاصر تمایل غالب نظریه های مشروعیت به تفکیک، بررسی و تمایز مفاهیم، خصوصاً مفاهیمی از قبیل مشروعیت، عدالت و استیلا است. حکومت ها در ایران مشروعیتشان بر بنیان

نظریه مشروعیت و استیلاي حکومت در اندیشه ...

های چندگانه استوار است که از آن به مشروعیت توأمان یاد می شود (ساجدی و خسرو بیکی، ۱۳۹۶: ۹۷).

نظریه های مشروعیت در شیعه به دو دوره «حضور» و «غیبت» تقسیم می شود. در دوره حضور هر چند برخی از علمای معاصر در نظری نادر به مشروعیت مردمی توجه نموده اند (حائری یزدی، ۱۹۹۵: ۱۷۶).

نظریه های سیاسی شیعه عمدتاً در امتداد امامت و با الهام از آن مطرح شده اند. دیدگاه های وحید بهبهانی، شیخ انصاری و ... را باید در این راستا دانست. بنابراین نظریه های مشروعیت در حوزه اندیشه شیعی بیشتر به شیوه انعقاد حکومت می پردازد و بر نصب یا انتخاب حاکم تأکید می کند. در مقابل اهل سنت منابع گوناگونی را از جمله «اجماع اهل حل و عقد» و «بیعت مردم»، «استخلاف امام سابق» و «استیلا و زور و غلبه» را در انعقاد حکومت و امامت معتبر می دانند (حاتمی، ۱۳۸۴: ۶۷). اهل سنت معتقد است که پس از پیامبر (ص) امر حکومت کلاً به اختیار و انتخاب امت سپرده شده است. و منابع فوق الذکر را برای مشروعیت حکومت مد نظر قرار داده اند. نکته اساسی که در نظریه های اهل سنت وجود دارد تجلیل از سیاست حاکم به جای استنتاج رای شرعی و تحلیل آن است. از این رو نظریه های اهل سنت، نظریه های پس از وقوع می باشند و پس از پیاده شدن در جامعه نگاشته شده اند (کدیور، ۱۳۷۶: ۷۶). در میان علمای اهل سنت فضل الله بن روزبهان خنجی را باید از جمله اندیشمندانی دانست که در دوره حکومت سلطان یعقوب آق قویونلو با آگاهی از این اوضاع و احوال و با هدف تلقین حکومت تشریعی، تلاش های بی شائبه ای را انجام داده و با بهره گیری از روش ها و منابع مختلف ظهور حکومت آق قویونلو را بر پایه انگاره موعود محور تبیین نموده است. خنجی با استفاده از مفاهیمی چون «مشیت گرایی»، «تأویل گرایی» و «نمادهایی از اندیشه ایرانشهری» در صدد بر آمده تا حکومت آق قویونلوها را حکومتی متشرع و مشروع معرفی نماید. اختلاف عمیق مذهبی و مجادله های کلامی تشیع و تسنن بر سر موضوع مشروعیت حاکم جهان اسلام، از دغدغه های روزبهان بوده است (برزگر و مجتهدی، ۱۳۹۶: ۲۸).

با بررسی در کتاب عالم آرای امینی می توان گفت مولفه های فوق الذکر وجه غالب در انگاره های شریعتمدارانه خنجی بوده است. او با اتکا به آن مولفه ها پادشاهی آق قویونلوها را علیرغم اینکه حکومتی متقلب هستند در مواجهه با رقبایی مانند عثمانی ها، و حتی جریان های فکری نظیر صفویان و مشعشیان، مشروع جلوه داده است.

خنجی در سیر الملوک می گوید: سزاوار آن است که امام زمان (ع) ظاهر باشد نه پوشیده چنانکه شیعه گوید او مختفی و منتظر است (خنجی، ۱۳۶۲: ۷۹). خنجی در اندیشه «مجددمائه» بر این باور است در ابتدای هر ۱۰۰ سال شخصی از میان خلفا، سلاطین، علما در راه اصلاح امور جامعه و احیای دین، ظهور می کند و این فرد به عنوان مصلح و مجددمائه شناخته می شود. اگر چه این نظریه در ابتدا توسط محدثین و فقها مطرح گردیده ولی خنجی آن را در یک فضای سیاسی و کلامی بارور نموده است. بسیاری بر این باورند این رویکرد خنجی به تبعیت از موضع گیری اندیشمندانی چون دوانی بوده است. انگاره موعود گرایانه خنجی تقریباً با همین تفسیر و تحلیل قابل تبیین است. مولفه «مشیت گرایی» در عالم آرای امینی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع روزبهان در این اعتقاد تقدیر و مشیت الهی را به منظور تبیین پدیده های تاریخی بکار گرفته است. او در این نظریه رخ دادن تمامی حوادث را به خواست خداوند مرتبط دانسته است و به نوعی مشروعیت حکومت آق قویونلو ها را به اثبات رسانیده است.

فضل الله بن روزبهان خنجی در اندیشه «تاویل گرایی» خواسته است بخشی از مشروعیت بخشی حکومت آق قویونلو ها را به اثبات برساند. او با هدف تبیین بسیاری از حوادث و وقایع مرتبط با حکومت آق قویونلو ها به این مولفه (تاویل گرایی) روی آورده است و حقانیت آنان را بر اساس تاویل آیات و احادیث، به نحوی توجیه نموده است.

در «انگاره ایرانشهری» خنجی سلطنت سلطان یعقوب بر اساس اندیشه های ایرانشهری شکل گرفته است. خنجی در این انگاره سعی نموده است حکومت آق قویونلوها را چیزی شبیه به پادشاهان ایران باستان جلوه دهد. موضوعی که در جهت کسب مشروعیت غزنویان، سلجوقیان، مغولان و تیموریان صادق بوده است. از فحوای کلام خنجی بر می آید که او خواسته است حکومت آق قویونلوها را شبیه به حکومت ساسانیان معرفی نماید. خنجی در اندیشه ایرانشهری دانش و خرد را که از ویژگی های پادشاهان ایرانی باستان بوده به پادشاهان آق قویونلو نیز نسبت می دهد (ویسهوفر، ۱۳۸۰: ۲۶۳). خلاصه اینکه خنجی از همه عناصر مشروعیت بخش معمول آن زمان برای برحق نشان دادن حکومت آق قویونلو ها استفاده کرده است. مولفه های مشیت گرایی، تاویل گرایی و ایرانشهری از مولفه هایی است که خنجی در یک تحلیل موشکافانه برای اثبات مشروعیت حکومت و سلاطین آق قویونلو از آنها استفاده نموده است. چنین تحلیل و تبیینی به راحتی راه را برای هر داعیه داری باز می گذارد. به همین دلیل

بسیاری بر این باورند «عالم آرای امینی» بیانگر نظریه خلافت و سلطنت در اسلام بر اساس عقاید اهل سنت است. که محوریت آن را مسأله مشروعیت تشکیل می دهد.

۳-۴. نظریه استیلا

یکی از منابعی که اهل سنت در مشروعیت حکومت در نظر گرفته است، استیلا، زور و غلبه است. ابن فراء در احکام السلطانیه به توجیه فقهی نظریه استیلا پرداخته است، او را می توان یکی از مهم ترین اندیشمندان نظریه «تغلب» و استیلا در میان اهل سنت دانست، ابن فراء مشروعیت سلطان را در گروه غلبه شمشیر می بیند (ابن فراء، ۱۴۰۸: ۳۷-۲۸). ابن فراء ابی یعلی محمد بن الحسین (۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م) «الاحکام السلطانیه»، صفحه و علق من محمد حامد الفقی، بیروت، دارالکتب العلمیه از نگاهشته های ابن فراء این گونه برداشت نمود که نظر او رکن اساسی نظام سیاسی در شخص سلطان صاحب شوکت خلاصه می شود. بنابراین امارت استیلا در نظریه سیاسی تغلب از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و در واقع سلطنت های اسلامی بر مبنای این اصل شکل می گیرند (فدایی مهربانی، ۱۳۸۹: ۹۴).

ماورودی و غزالی نیز دو تن از اندیشمندان سیاسی دارای دیدگاه های برجسته در ارتباط با کانون های قدرت سیاسی و روابط حاکم بین آنها در دوره تاریخ میانه ایران هستند ماورودی سعی در تثبیت خلافت در برابر واقعیت عینی حاکم متغلیبی داشت که با قدرت زور و اعمال آن توانسته بود حکومت را در اختیار بگیرد (ساجدی و خسرو بیکی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

غزالی نیز همه امور را به شوکت و هیبت سلطان منوط می کند. او تصریح می کند که ولایت جزء به تبع شوکت نیست و چنانچه صاحب زور و شوکت با او بیعت کنند امام مشروع خواهد بود و هر که مستقل باشد به شوکت و مطیع، خلیفه بود.

روز بهان خنجی نیز استیلا را عامل اصلی قدرت گرفتن حاکمان دانسته، از عوامل مشروعیت زا تلقی می کند و به آن جنبه شرعی و قانونی می دهد (آهنچی و روزبهانی، ۱۳۹۱: ۱۶).

خنجی می گوید: سلطان در عرف شرع کسی است که بر مسلمانان مستولی باشد به حکم شوکت و قدمت لشکر... (خنجی، ۱۳۶۲: ۸۲). بنابراین زور و غلبه بر مراکز قدرت از جمله عواملی است. اهل سنت آنرا منشأ پیدایش مشروعیت می داند. یعنی کسانی که قدرت جسمی و نیروی بدنی و روانی بیشتری دارند حق خواهند داشت که بر جامعه حکومت کنند و نیازی هم به عقد بیعت از طرف عامه مسلمین و یا اهل حل و عقونیت و مطابق همین روش قاعده الحق لمن غلب شکل گرفته است (حاتمی، ۱۳۸۴: ۷۲). فقهای اهل سنت سه قسم انتخاب اهل حل

و عقد استخلاف و شورا را کاملاً پذیرفته اند، اما با در نظر گرفتن شرایط انتخاب جانشین پس از خلفای راشدین به ناچار شیوه چهارمی به نام استیلا را اضافه می کنند. خنجی در کتاب سلوک الملوک می نویسد: از اسباب انعقاد پادشاهی و امامت استیلا و شوکت است (خنجی، ۱۳۶۲: ۸۲). او بر این باور است که شخصی که با داشتن لشکریان و شیوه نظامی مردم را به تسلط خود درآورد و سلطه خود را می گستراند، او را سلطان می گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد. از تمایزات اندیشه خنجی با دیگر فقهای اهل سنت این است که او زور و استیلا را هم ردیف سه شیوه دیگر انعقاد امامت راه صحیح و قابل قبول می داند و شرط بیعت را نمی پذیرد (برزگر و مجتهدی، ۱۳۹۶: ۳۶). او فقیهی است که به حکومت باغلبه و نه از سرناچاری، بلکه قانون و صحیح رسمیت می بخشد و سلطان زمان را امام و حکومت او را حقه می داند. در اندیشه سیاسی فضل بن روز بهان خنجی استیلا و شوکت و یا زور و قدرت اصل استا و تعیین کننده می باشد. که در کتاب عالم آرای امینی به عنوان خصلت ششم از خصایص هفتگانه سینی مطرح کرده و آن را از اصول لازم جهت برتری ملوک آق قونیلو می داند. صورت فتوایش چنین است: « وقتی امامی رفات کند، هر فردی که بدون بیعت و بی آنکه کسی او را خلیفه کرده باشد و مردمان را قهر کند و به شوکت و لشکر امامت او برقرار می گردد، بدون بیعتی خواه ترتیبی باشد و خواه نا خواه عرب باشد یا عجم یا ترک و خواه فاسق و جاهل و اگر چه آن مستولی بدین فعل عاصی گردد و چون به دلیل سطوت و استیلا و جای امام را بگیرد او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد (خنجی، ۱۳۶۲: ۸۲). بنابراین اگر نظریه تغلب و حکومت مبتنی بر زور به عنوان یکی از راههای مشروعیت حکومت چنانکه اهل سنت می گویند پذیرفته شود، آنگاه حکومت در اسلام به صورت هرج و مرج در آمده و از تعریف خاصی برخوردار نخواهد بود. زیرا هر کس در میدان زور و ظلم و کشتار مردم از توان بالاتری برخوردار باشد او حاکم مشروع اسلامی خواهد شد. لذا استدلال مالی خنجی را نمی توان پذیرفت و هر کدام از مولفه های مشروعیت ساز مبنی بر زور، غلبه و استیلا را مورد قبول قرارداد. فضل بن روز بهان نخستین نویسنده ایرانی بود که کوشید نظریه خلافت شرعی و سلطنت های متاخر را ترکیب کند تا اهل سنت در پیکار با صفریان ایدئولوژی مناسبی در اختیار داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۵۲).

نتیجه‌گیری

منطق اجتماعی که از آن به مشروعیت سیاسی یاد می‌شود معمولاً در حکومت‌های بعد از اسلام ایران صفتی چندگانه یافته است. به همین دلیل حکومت‌های بعد از اسلامی ایرانی نیز از انواع و اشکال مختلف ابزارهای مشروعیت‌ساز استفاده کرده است. بسیاری بر این باورند فضل اله بن روزبهان خنجی را باید آخرین نماینده اندیشه سیاسی دوره صفوی دانست. او قبل از آنکه جایگاه خودش را مدیون اندیشه بدیع بداند و امدار اوضاع و احوال تاریخی عصر خودش است. سلوک الملوک خنجی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران در برابر شریعت نامه‌هایی از قبیل: سیاسیه الشرعیه ابن تیمیه و احکام السلطانیه ماوردی بغدادی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. فضل اله در کتاب سلوک الملوک سلطان را امام زمان و ضل الله خطاب کرده و روش دستیابی آنان را به قدرت با آیات قرآنی و تحلیل‌های شرعی مشروعیت بخشیده است. شیعه ستیزی در اندیشه فضل اله روزبهان خنجی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. به همین دلیل برخی بر این باورند شریعت نامه نویسی پوششی بر شیعه ستیزی و اندیشه استیلاست نه تلاشی در جهت تجدید خلافت. اما جالب اینجاست که ایشان در وصف مظلومیت امام علی (ع) و فرزندان سخن‌هایی گفته است و حتی به حق و حقوق آنها احترام گذاشته و آن را یبه رسمیت شناخته است. کتاب سلوک الملوک را باید خلاصه اندیشه خنجی دانست که از آن به نام بیانیه کامل سیاسی فضل اله یاد کرده‌اند. بر خلاف آنچه از نامش بر می‌آید کتابی فقهی است و شامل یک دوره فقه سیاسی بر اساس مذاهب حنفی و شافعی است. وی چون مذهب حنفی در آسیای میانه از دیرباز دارای اهمیت بوده کتاب سلوک را بر اساس هر دو مذهب نگاشته است. کوشش خنجی در این کتاب برای حل مسأله مشروعیت حکومت و تدوین فقه سیاسی اهل سنت حائز اهمیت است. این کتاب را می‌توان سنبل انحطاط اندیشه سیاسی ایران (شریعت نامه نویسی) دانست. اگر چه این کتاب حاوی مطالبی نیز درباره اجداد و نصب پادشاهان صفوی و سلسله آق قویونلو است. اما بسیاری بر این باورند نقش آفرینی خنجی در این کتاب در تفکرات سیاسی اهل سنت چندان چشمگیر نیست. خنجی پس از بیان سه شیوه اولیه انعقاد امامت در باب شیوه چهارم که زور و غلبه یا همان «نظریه استیلا» است واژه «پادشاهی» را در کنار واژه «امامت» می‌آورد. خنجی واژگان خلیفه، امام و سلطان را در باب فرد واحدی به کار می‌برد گویا امامت و خلافت را در سلطنت منحل کرده است. در نظریه استیلا که از بنیادهای فکری خنجی است آشکارا میان زندگی اجتماعی، خلیفات و زندگی

شخصی حاکم تفاوت و تمایز ایجاد شده، خنجی اطاعت مردم از سلطان را منوط به عدم مخالفت با شرع می‌داند. گویا می‌خواهد نقش علما را در سلطنت آشکارتر سازد. حفظ بنای اجتماع را در گروه نصب سلطان و امام می‌داند و حتی حاضر است حکومت سلطان جائز را بپذیرد. خنجی بر این باور بود که جوامع اسلامی اهل سنت به سبب نبود امام و خلیفه رو به انحطاط و تباهی گذاشته اند و عرصه را برای ظهور قدرت و حضور افکار انحرافی نظیر شیعه مهیا کرده است. وی سلطان زمان خویش را امام زمان و اطاعت از او را بر همه واجب می‌دانست. او می‌خواست وحدت مسلمین را در ایجاد حکومتی به رهبری امام دوباره شکل دهد. تا شاید بتواند دست صفویان را از دارالاسلام کوتاه کند. او با بهره مندی از مؤلفه های متعدد به منظور مشروعیت بخشی استفاده نموده است. مؤلفه هایی مانند تحویل گرایی، مشیت گرایی و ... اگر چه دیدگاه‌های خنجی در مقایسه با غزالی و ابن تیمیه از تاثیرگذاری کمتری برخوردار است اما او خود را فقیهی می‌داند که به حکومت با غلبه نه از سر ناچاری، بلکه قانونی و صحیح رسمیت می‌بخشد و معتقد است وحدت مسلمین مهم‌ترین مؤلفه در شکل‌گیری این حکومت است. خلاصه اینکه شیعه اعتقاد به مشروعیت الهی حکومت و نصب امام طی نص از جانب خداوند دارد. ولیکن اهل سنت معتقد است که امامت و حکومت از راه‌های گوناگونی از جمله «زور و غلبه»، «بیعت»، «انتخاب مردم»، «ولایت عهدی» و «استخلاف امام سابق» منعقد می‌شود. از آنجا که نظریه‌ها و آراء فرق اهل تسنن هیچ کدام مستند به آیات قرآن و سنت پیامبر نیست بلکه آنچه به عنوان ملاک و برهان بیان می‌شود، عمل و سیره خلیفه اول، دوم و صحابه پیامبر (ص) است که اصل استخلاف نیز در همین جا است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اقتداری، احمد (۱۳۳۴). *لارستان کهن*، تهران: انتشارات جهان معاصر.
- امیری، منوچهر (۱۳۴۹). *ترجمه سفرنامه های ونیزیان در ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- امیری، منوچهر (۱۳۴۹). *سفرنامه های ونیزیان در ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ایزدی، حسین (۱۳۸۷). «فضل‌الله بن روزبهان خنجی و شریعت نامه نویسی در قرن نهم»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، شماره دهم.
- ایزدی، حسین (۱۳۸۸). «شریعت نامه نویسی در قرن نهم»، *مجله تاریخ اسلام*، شماره ۳۸، مهرماه.

- آژند، یعقوب (۱۳۸۰). **تاریخ ایران، دوره صفویان**، تهران: نشر جامی
- آهنچی، آذر و روز بهانی، محمدرضا (۱۳۹۱). «مبانی مشروعیت حکومت در نگاه سلاطین آق قویونلوها»، **مجله جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم.
- برزگر، ابراهیم و مجتهدی، آرزو (۱۳۹۶). «اندیشه سیاسی روزبهان خنجی و الگوی اسپریگنز»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره یک.
- بندیکس، راینهارد (۱۳۸۲). **سیمای فکری ماکس وبر**، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس.
- حاتمی، محمد رضا (۱۳۸۴). «بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت»، **مجله دانش سیاسی**، شماره ۱، بهار و تابستان.
- حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۵). **حکمت و حکومت**، لندن: شادی.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۹۵). «مشروعیت و عدالت در اندیشه سیاسی شیعه: درآمدی بر مشروعیت عدالت بنیاد»، **فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی**، سال چهاردهم، شماره ۵۳.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۵). **تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۵۳). **مهمان نامه بخارا**، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنگاه نشر کتاب.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۵۵). **مهمان نامه بخارا**، چاپ دوم، مقدمه و تصحیح از منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۶۲). **سلوک الملوك**، تصحیح محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان (۱۳۸۱). **عالم آرای امینی (نسخه خطی)**، به تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: مرکز نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- خنجی، محمدمبین (۱۳۳۵). «فضل الله بن روزبهان خنجی»، **مجله فرهنگ ایران زمین**، شماره ۴، صفحه ۱۷۴.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۵۳). **تاریخ حبیب السیر**، زیر نظر و به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- دوانی، جلال الدین (۱۳۹۰). **اخلاق جلالی**، به کوشش عبدالله مسعودی، تهران: انتشارات اطلاعات.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷

دوگان، ماتیه (۱۳۷۴). «سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد»، ترجمه پرویز پیران، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره یک و دو.

رضا زاده لنگرودی، رضا (۱۳۶۷). **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، جلد یک، تهران: مرکز بزرگ دایره المعارف اسلامی.

روملو، حسن بیک (۱۳۸۴). **احسن التواریخ**، ج ۲، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات اساطیر.

ساجدی، عبدالله و خسرو بیکی، هوشنگ (۱۳۹۶). «مشروعیت توامان یا چندگانگی مشروعیت در حکومت های ایران دوره اسلامی (از طاهریان تا سقوط خوارزمشاهیان)»، **مجله تاریخ فرهنگ**، سال چهل و هشتم، شماره ۹۶.

ساجدی، عبدالله و خسرو بیکی، هوشنگ (۱۳۹۵). «مشروعیت توامان یا چندگانگی مشروعیت در حکومت های اسلامی ایران دوره اسلامی (از طاهریان تا سقوط خوارزمشاهیان)»، **مجله تاریخ فرهنگ**، سال ۴۸، شماره بیاری ۹۶.

سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، ج ۱، دفتر دوم، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفا، ذبیح الله (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات ایران**، ج ۱، ۲، ۳. تهران: انتشارات ابن سینا.

طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۳). **درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران**، ج ۱۱، تهران انتشارات کویر.

عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۶). **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی.

فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۸۹). «نظریه استیلا در اندیشه سیاسی ابویعلی ابن فراء»، **فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست نظری**، شماره ۸، دوره جدید.

فیرحی، داوود (۱۳۸۱). «شیعه و مسأله مشروعیت: بین نظریه و نص»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دانشگاه تهران: شماره ۵۷.

قادی، حاتم (۱۳۸۷). **اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران**، تهران، انتشارات سمت.

کدیور، محسن (۱۳۷۶). **نظریه های دولت در فقه شیعه**، تهران: نشر نی.

لاریجانی، محمد جواد (۱۳۹۴). **نقد دینداری و مدرنیسم**، تهران: نشر اطلاعات

موسوی، مصطفی (۱۳۸۴). «نقدی بر کتاب تاریخ عالم آرای امینی»، **آیینه میراث**، شماره ۲۹، دوره جدید تابستان، صص ۲۴۲ تا ۲۴۷.

نظریه مشروعیت و استیلای حکومت در اندیشه ...

واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۹). **خلدبرین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)**، روضه های ششم و هفتم، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، انتشارات میراث مکتوب.
وثوق، محمد باقر (۱۳۷۷). «عالم آرای امینی». **مجله کتاب ماه، ماهنامه تاریخ و جغرافیا**، تهران: سال سوم.

ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۰). **ایران باستان**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس.
وینسنت، اندرو (۱۳۹۴). **نظریه های دولت**، چاپ دهم، مترجم حسین بشیریه، تهران: نشر نی
هینتس، والتر (۱۳۶۲). **تشکیل دولت ملی در ایران**، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.

ب) منابع عربی

ابن فرّاء، ابویعلی محمد بن حسین (۱۴۰۸ ق). **الأحكام السلطانية**، تصحیح محمد حامد الفتی، مصر، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي، مصر.

ج) منابع انگلیسی

- Buchanan, Allen. (2004). **Justice, Legitimacy, and Self-Determination: Moral Foundations for International Law**, Oxford: Oxford University Press.
- Coicaud, Jean-Marc. (2004). **Legitimacy and Politics, A Contribution to the Study of Political Right and Political Responsibility**, translated and edited by David Ames Curtis, Cambridge University Press.
- Rawls, John. (2005) **Political Liberalism**, Columbia University press.
- Sauvaget (1943), **Introduction a I**, orientmusulman, paris, p.89.
- Simmons, John. (2001). **Justification and Legitimacy, Essays on Rights and Obligations**, Cambridge University Press.